معرفت فطری مباشری انسان به خداوند متعال

«وَ أَنْ يَصْبِرُوا»؛ آیا «واو» می‌خواهد یا نمی‌خواهد؟؛ در اینجا «واو» دارد. شاید در برخی از نسخه‌ها، «واو» ندارد. خوب است «واو» باشد و هیچ مشکلی ندارد. در مرآة العقول[1] فرموده بودند که چه بسا این «واو» از نساخ باشد. خطای ناسخ باشد. ظاهراً نیازی نیست. به گمانم وجود «واو» خطای ناسخ که نیست هیچ، بلکه به مهم بودن تفاوت اصل میثاق با «أن یصبروا» اشاره دارد. «اخذ علی‌هم المیثاق». «ال» عهد است. در دل «المیثاق» خیلی مطالب هست. دهها روایت می‌توانید راجع به آن پیدا کنید. در کتب مختلف روائی هست. «و أن یصبروا»؛ این هم دنبالهی میثاق است و مانعی ندارد.

«وَ يُصَابِرُوا»؛ صبر کنند و مصابرت کنند. «وَ يُرَابِطُوا»؛ و مرابطه کنند.

شاگرد: عالم میثاق، ذر، اظلّه، همه یک عالم است یا آن‌ها با هم تفاوت دارند؟

استاد: از حیث کلی، یکی است. مرحوم علامه‌ی طباطبایی، در الرسائل التوحیدیة، دارند. ایشان سه رساله دارند. الانسان قبل الدنیا، الانسان فی الدنیا، الانسان بعد الدنیا. در این بخشی که علامه می‌گویند الانسان قبل الدنیا، مراد تمام عوالمی است که بشر از قبل از اینکه به دار دنیا بیاید، داشته است. اما وقتی دقیق شوم، الانسان قبل الدنیا، عالم ذر و میثاق، اظلّه، و اشباح و... دقیقاً یک عالم است؟ اسمائی برای یک مسمی است؟ یا خیر، هر چه قبل است، اسمائی که دارد، مسماهای آن هم جدا هستند؟! عالم اشباح و اظلّه با عالم ارواح فرق دارد. عالم ذر با عوالم دیگر فرق دارد. ذر و میثاق کنار هم می‌آید. احتمال بیشتر این است که عوالم فرق دارند. یعنی هر کدام، احکام خودشان را دارند. منافاتی ندارد که عالم اشباح و عالم ذر، قبل از دنیا باشند، اما مختلف باشند.

شاگرد: وقتی عالم میثاق را فراموش کرده‌ایم، چرا باید نسبت به آن عهد مواخذه شویم؟!

استاد: امام علی‌هاالسلام در آن روایت به این صورت پاسخ دادند: «قَالَ ثَبَتَ الْمَعْرِفَةُ فِي قُلُوبِهِمْ وَ نَسُوا الْمَوْقِفَ سَيَذْكُرُونَهُ يَوْماً مَا وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يَدْرِ أَحَدٌ مَنْ خَالِقُهُ وَ لَا مَنْ رَازِقُهُ»[2]؛ وقتی خداوند متعال میثاق گرفت و «الست بربکم» گفت، اصل آن، میثاق و اخذ عهد هست، اما اینکه کجا بود، یادش رفته است. «نسوا الموقف»؛ اینکه صحنه چه بود را، یادش رفته است ولی اصلش هست. «لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يَدْرِ أَحَدٌ مَنْ خَالِقُهُ وَ لَا مَنْ رَازِقُهُ»؛ برخی از اساتید نسبت به کلمه‌ی «من» نکته‌ای را می‌فرمودند. نکته‌ی خوبی بود. می‌گفتند: کلمه‌ی «من»، در این حدیث، خیلی زیبا است. یعنی در آن موقفی که یادمان رفته است، مواجهه بوده است، معاینه بوده است، «الست بربّکم؟ قالوا: بلی». چون معاینه بوده و الآن آن معرفت هم هست، آن معرفت، معرفت شخصی است. یک معرفت به این صورت است که می‌گویی‌م «الواجب الوجود یکون موجودا»؛ یعنی یک واجب الوجودی موجود است. به برهان ثابت شده است. می‌گفتند: آیه این را نمی‌گوید. می‌گوید: «لم یعرف أحد من خالقه و رازقه»؛

یعنی در فطرت همه ی کی معرفت مباشری مستقیم خیلی واضح موجود است. حالا به فرمایش شما، چرا واضح نیست؟ در روایات دارد: روایت وسط دریا و اینکه امواج چهار موجه شود. تا کشتی در دریا چهار موجه میشود، آن وقت آنچه که الآن هم هست، یک دفعه حیّ و حاضر میشود. میبینید قبلاً بود، ولی در حجاب غفلت بود.

چند بار دیگر گفته بودم. ولی خُب، در زمان ما آمده است. کلیپی[3] هست که میتوانید ترجمه ی فارسی آن را ببینید و بنده آن را خیلی وقت قبل دیده ام و الان دقیقا یادم نیست اما مضمون آن این طور بود که در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، سؤال کننده از کسی که کاندیدای رئیس جمهوری روسیه بود، یک دفعه، از خداوند پرسید. گفت: شما خداوند را قبول داری یا ندارید؟ خُب، در تبلیغات ریاست جمهوری چه کار داری که من خدا را قبول دارم یا ندارم! آن هم از کسی که در بطن الحاد بوده است. یعنی از وقتی که به دنیا آمده است، در کمونیسم و در انکار خداوند متعال بوده است. در میان اینها، رشد کرده و حالا میخواهد از او بپرسد که خداوند را قبول داری یا ندارید؟! حالا خودتان ببینید. منظور بنده این بود: او پاسخ داد: انسانها در قبول خداوند، فرق میکنند. بعد ادامه داد: «هر کسی خداوند را میشناسد!؛ در زمان جنگ جهانی دوم، هیچ سربازی نبود که وقتی دستور تهاجم میدادند و میخواست از سنگر خودش بیرون بیاید و حمله کند و در جلوی تیر قرار بگیرد، الا اینکه در آنجا خداوند را میدید! همه خداوند را میدیدند». این سربازهایی که او میگوید، سربازهای کمونیست و آتئیست بودهاند؛ یعنی میگفتند که خداوند وجود ندارد.

این یعنی انقطاع اسباب؛ یعنی میداند که اگر از این سنگر بیرون برود، تیرها دارد میآید و کار تمام است. دیگر لحظهای است که نمیداند در لحظه ی بعدیاش زنده است یا نه. خیلی مثال خوبی است. دارد آدرس میدهد و میگوید: کسی که یک عمر بی خدا بوده است، حالا که وقتش شده است، می بینید که دارد میبیند. منظور اینکه «من خالقه و رازقه» این قدر اهمیت دارد.

---

[1]. علامه ی مجلسی، مرآة العقول، ج ۵، ص ۲۶۸.

[2]. المحاسن ج ۱، ص ۲۴۱.

[3]. این کلیپ را میتوانید با جستوجوی عبارت «**پوتین از چه زمانی به خدا اعتقاد پیدا کرد**» در اینترنت پیدا و مشاهده نمایید.

بازبینی #3
ایجاد شده 9 ژوئیه 2024 15:21:21 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژوئیه 2024 15:24:33 توسط ... .